ادامه از صفحه ۷

«والرشتاین» در ایران و گفت‌وگو در فضای واقعی

چنانکه کمتر دانشجوی ایرانی از یادگیری سریع و بهنگام آنان به ایمیل‌های ارسالی، حتی در قبرس یا استانبول و اندیشمندان ایرانی خود را به رنج می‌بیند، اما آن‌چه جای آن خالی است، امکان گفت‌وگو و ارتباط علمی در فضای واقعی است. کمتر دانشگاه و علمی و تخصصی در این سال‌ها ناظر و شاهد گفت‌وگوهای چهره‌به‌چهره و رودررو با نظریه‌پردازان صاحب‌نام علوم اجتماعی جهان در ایران بوده و اگر هم بوده حاشیه‌ای از سر جریده است.

یورگن هابرماس، مأمول کانستانز و... از شمار اندک اندیشمندان نام‌آور جهانند که در دهه‌های اخیر به ایران آمدند و در دانشگاه سخن گفتند، خوانش علمی این ارخداد از اکادمی، حای خود را به خوانش سیاسی در رسانه‌های رسمی، آن‌هم از سوخاش و سوءتفاهم سپردند. نتیجه اینکه با جای گفت‌وگوهای علمی و ایران در دست در دانشگاه‌ها خالی ماند یا به بی‌راهه و کژراهه رفت و انشیاق به حضور در دایره ارتباطات علمی را محدود به گرفتن عکس‌ها و امضاهای یادگاری کرد. پیش‌افتاد ارتباطات علمی و گفت‌وگوهای انتقادی در جامعه شبکه‌ای و فضای مجازی بر جامعه علمی و فضای واقعی در جامعه حوزه دانش، فرهنگ و جامعه، نشانه‌های ناموزنی و ناموثاقی و ناهمزمانی فرآیندهای توسعه علمی در ایران است.

باید بسرای پرداختن به این مسأله، گامی فرا پیش نهاد به‌جای افتادن در چنبره‌های ناکجاآبادی از همین خاک، جغرافی دگری ساخت. اندیشه‌هایی از بیرون که با گام‌هایی کوچک، بهتر می‌توان پیش برد. تا اندیشه‌های کوچک را با گام‌های بزرگ می‌توان به ظرفیت نهفته گفت‌وگو هم در وجه ساختاری و هم در وجه عاملیتی آن توجه کرد که اینک از ضرورت و درنمیزیسم به آزادی و اختیار رسیده‌اند و خود اندیشمدان را رقم می‌زنند. والرشتاین با اتکا به یافته‌های ایلیا برگوزین می‌گوید همه سیستم‌ها، از بی‌نهایت کوچک تا بزرگ‌ترین سیستم‌های هم‌مرز، به یک فرایند مبنی‌اند. این فرایند، از لحظه سیستم‌های تاریخی- اجتماعی با اندازه مرمنای آمریکا و به لحظه کیفیتا بحثمند متفاوت تحلول کرد. لحظه یا به هر عنسنی نهادن؛ دوره کارکرد در طی حیات (طبیعی، (طولانی‌ترین لحظه) و لحظه بایان هستی (دوره بحران ساختاری)

سیستم حاکم امروز بر جهان سیستم سرمایه‌داری است. ویژگی سیستم‌ها، تا بعیین کنند سرمایه‌داری جستوجوی ایشانت بی‌پایان است. ایشانت سرمایه به منظور ایشانش هرچه بیشتر این که «با نهادهای متعدد سیستم مدرن طبیعی برای پیشبرد ایشانت بی‌پایان سرمایه عمل می‌کنند در سازوکار جهانی سرمایه باشد دو سنته از چرخه‌های درآمدت اقتصادی هستیم: نخست چرخه‌های کندراتیف و دوم چرخه‌های هژمونیک.

در چرخه‌های کندراتیف شاهد روندهای ۵۰ تا ۶۰ساله درآمدت در روتق به رکود در اقتصاد سرمایه‌داری می‌شویم (کلیسه کنید با مفهوم ویرانگری خلاق در نزد شومپیتر). در تاریخ سرمایه‌داری در مقاطعی شاهد تولید محصول نوآورانه‌ای می‌شویم که برای آن انبوهی خریدار مشتاق وجود دارد یا به هر حال می‌توان محرکی برای خرید آنها پدید آورد. این محصول نوآورانه ابتدا در اشکال شبه‌انحرابی تولید می‌شود و دولت در خلق و حفظ شبه‌انحرابها نقش تعیین‌کننده دارد؛ مثلا بطور قلونی از طریق سیستم ثبت اختراعات یا دیگر اشکال حفاظت از یه‌اصطلاح مالکیت معنوی. با از طریق ایانه کمک مستقیم به فعالیت‌های تحقیق و توسعه، به‌عنوان خریدار عمده محصول و یا نهایت به‌عنوان یک قدرت ژئوپلیتیک که از موقعیت خود بهره می‌برد تا از آسیب‌دیدن به این وضعیت شبه‌انحرابی تولیدکنندگان مانع شود.

اما هرقدر هم پشتیبانی از این صنایع بیشتر طولانی شود دیر یا زود لحظه‌ای فرا می‌رسد که در آن شبه‌انحرابها در شکل معناداری شکست می‌خورند. شاهد پایان عملیات شبه‌انحرابی منجر به کاهش قیمت‌ها می‌شود. کاهش قیمت‌ها نیز البته به زیان فروشندگان است، یعنی آن‌چه‌ماری یک محصول پیشرو و نوآور بوده به محصولی رقابتی رو با سودآوری بسیار کمتر تبدیل می‌شود. واکنش تولیدکنندگان به کاهش سود، کاهش هزینه‌های کار (دستمزد)، انتقال تولید به مکان‌هایی با هزینه تولید پایین‌تر (بازمکان‌یابی صنایع) و نیز انتقال سرمایه‌ها به بخش مالی (مالی‌گرایی) خواهد بود.

سرمایه‌داری به‌مثابه سیستمی فراملی، سیستمی که مرزهای ملی را برنمی‌تابد و ماهیتی جهانی دارد نیازمند هژمونی است. هژمونی سرمایه‌داری جهانی در دوره کنونی چیزی است که به کمان به والرشتاین رووه‌افول است. با این‌همه، نظام مسلط فعلی همچنان به‌کارکرد خود ولو به‌شکلی معیوب ادامه می‌دهد. تبیین والرشتاین از این هژمونی چگونه است؟

الگوی گسترش و انقباض سرمایه‌داری تنها به آن سبب امکان‌پذیر است که سرمایه‌داری در یک دولت- ملت واحد جای نگرفته بلکه فضای حیات آن سیستم جهانی است که از دور دولت واحدی برگزار شد. اینها اگر سرمایه‌داران در «اتحاد جهانی» یعنی در اقتصاد یا دولت- ملت‌های متعدد حضور داشته باشند صاحبان کسب‌وکار می‌توانند اینانشت بی‌پایان سرمایه را دنبال کنند اما تنظیم اقتصاد جهانی نیازمند نظامی است که قدرت هژمون تحمیل می‌کند. به این ترتیب، به مؤلفه‌ای از چرخه‌های کندراتیف شاهد چرخه‌های طولانی‌تر هژمونیک یا اصطلاحا چرخه‌های سیستمی اینانشت یا قرن‌های طولانی هستیم. در تاریخ سیستم جهانی سرمایه‌داری تاکنون شاهد دست‌کم سه چرخه هژمونیک با قرن طولانی بوده‌ایم: چرخه هلندی از اواخر قرن شانزدهم تا اوایل قرن هجدهم؛ چرخه بریتانیایی از نیمه قرن هجدهم تا اوایل قرن بیستم؛ چرخه آمریکایی از اواخر قرن نوزدهم تا امروز.

در جایی ببین پیرامون و مرکز کشورهای «پیرامون» از جایی به «مرکز» می‌رسد. این مسأله‌ای است که مدرن‌ها در «پیرامون» (در فاعده یا بخش زیرین) نظام هم سلمه‌رانب جهانی یافت کرد. استعاری به‌عنوان «طبقه متوسط جهانی» بین «مرکز» (در رأس یا بخش زبرین) و «پیرامون» (در فاعده یا بخش زیرین) نظام هم سلمه‌رانب جهانی یافت کرد. این نظریه، از در ابتدا با واقعیات ۵۰۰ سال تاریخ استعماری رابطه و اسلعمار نو اولات مدحت رویه‌ورو می‌کرد. والرشتاین متوجه رابط و تناسب این رویکرد با نظریهٔ آفریقا بوده بود؛ و مؤلفی که کتاب «مدیترانه‌ای‌های بورول و مطالعات مارپان مالووست (Marian Malowist) درباره لهستان قرن شانزدهم را مطالعه کرد، دریافت که مناسبات مرکز- پیرامون در ظهور سرمایه‌داری در اروپای غربی قرن نقش محوری داشت. بنابراین باید در نظر گرفت این نکته می‌تواند اظهار کرد والرشتاین بود که کشف کرد نظام سلمه‌رانبی در مرکز- پیرامون نقش قاطع و تعیین‌کننده‌ای در کمک به فهم رشد و توسعه دولت‌های سیاسی و رخدادهای اساسی و دگرگونی‌های زیرساختی (اقتصادی، اجتماعی) در ۵۰۰ سال اخیر تاریخ جهان ایفا می‌کند (Ritzer, 2005, vol. II, p. 875) در اقروپا سر بر تحول و سطح دیدگاه‌ها و تنظیم‌طرف آن و نیز بر در ک و رفتارهای ناظر و بدیع آن می‌تاثیر نبوده است. برای مثال این تز آنان که

ادامه از صفحه ۷

«برای نظریه‌پردازی پیرامون معضل سرشت پیچیده تمدن سرمایه‌داری، به واحد تحلیلی گسترده‌تر از واحد دولت- ملت نیاز داریم؛ بی‌تردید متاثر از مشاهدات و دریافت‌هایی بود که هر دو از دوران خورشان در آفریقا کسب کرده بودند. علایق نظری والرشتاین بدوا در پیوند با شرایط و اوضاع و احوال جهانی و ملل تازه‌استقلال‌رسیده آفریقایی و اولیستکی نوانسعه‌ای، آنها به مراکز ثروت و قدرت (شمال) یا جوامع کلانشهر و متروپولیس بود.

بخش مهمی از آثار و کارهای بعدی والرشتاین درباره مناسبات میادله (تجارت) نابرابر سرمایه‌داری جهانی نیز تا حدود زیادی مدیون آثار نظریه‌پردازان «اولستکی» است به‌ویژه آنـدر بارن و فرانک. فرضیه ناظر به روند توسعه نوسعه‌یافتگی در کشورهای غیرغربی نقش سازنده‌ای در ظهور جامعه‌شناسی تاریخی و نظریه نظام جهانی ایفا کرد.

جامعه‌شناسی نوسعه‌یافتگی جهان سوم و امپریالیسم در مقام پیشتاز جامعه‌شناسی بین‌المللی همچنین مجموعه‌ای از خطوط اساسی معضل پیچیده جامعه‌شناسی را ترسیم کرده است که امروزه بعضی هم آن را با عنوان جهان‌شمول می‌نامند. البته در خلال سال‌های دهه ۱۹۸۰ تحت عنوان جهان‌شمول، فرضیه‌های اعتراضی علیه سلطه فکری و نظری استعماری در قالب مفهوم‌پردازی درباره مقوله‌های پدیده مدرن (نوین) و در شکل انتقادها و اعتراض‌های پاسخ‌مداری بلند شد (Turner,2000, p. 393).

موضع «فراتفریق» والرشتاین در تحلیل پدیده‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را می‌توان در کاربرد و استفاده وی از مفهوم «نظام تاریخی» به وضوح دید. کاربرد این مفهوم بیانگر دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های وی به حوزه مطالعات و مطالعه‌های بین‌رشته‌ای است، به‌ویژه جامعه‌شناسی. اقتصاد، علم سیاسی، هم‌چنین به معنای نقد و نفی تمایزها و مرزبندی‌های صوری و کاذب و متصلب بین رشته‌های مختلف علوم انسانی و علوم اجتماعی است که باعث دوری و واگرایی این رشته‌ها و عدم همکاری و عدم تعامل میان آنها شد. به‌گونه‌ای که این رشته‌ها در یک حوزه و قلمرو خاص و محدود به دانشهای خود بسته شده‌اند و از مرزهای قراردادی و سنتی تاریخ‌های ملی فراتر رفته و عرصه‌ها و قلمروهای تاریخ فرامرزبندی، فراملی و بین‌المللی را مورد بحث و شاخص در تحلیل و مطالعات مورد بحثی (تاریخ جهانی) (histoire globale) را به‌عنوان پیشگام (تحلیل تمدنی) و تاریخ‌نگاری جهانی، دانست. بر این مبنا مطالعه نظام‌های سلسله‌مراتب اجتماعی، دولت‌ها، تمدن‌ها، حکومت‌ها و شهرها از طریق تکیه بر «تاریخ اقترانی» یا «تاریخ همایند» (histoire Conjoncturelle) یا در زمانی (diachronny) و «تاریخ ساختاری» (histoire structurale) (سکون و ایستایی) شکل و ساختار مطلبی به خود گرفت.

به هر حال قطعه مطالعات و رویکردهای روبول سستون فقـرات نظریه نظام‌های جهانی را شکل می‌دهد؛ از همان نخستین کارها و آثار وی درباره زندگی مدیترانه‌ای‌ها و اکنشار کتاب سرمایه‌داری و حیات مادی (۱۹۶۷)، کمتر نظریه‌پرداز، مورخ یا جامعه‌شناسی پیدا می‌شد که معتقد باشد ساختارهای زمانی گوناهست (durée) مانع زندگی روزمره را می‌توان جدا یا خارج از چشم‌انداز دیرهای بلندمدت (longue durée) قید در قالب «تاریخ جهانی» و یک بعدی موجز بیان شده بود. حق و تحلیل کرد (Turner, 2000, pp. 392-393) از سوی دیگر، چنانکه اشارت رفت، «نظریه والرشتاین» حامل تلاش‌ها و پژوهش‌های دانشمندان علوم اجتماعی و نظریه‌پردازان و فعالان آمریکای لاتین و متفکران غربی. اگنویی ایلیه کرد که بر مبنای آن ضمن به چالش کشیدن نظریه جامعه‌شناسیک نوسازی (تالکوت پارسونز و پیروان وی) و رد استدلال‌های این نظریه، از را با واقعیات ۵۰۰ سال تاریخ استعماری رابطه و اسلعمار نو اولات مدحت رویه‌ورو می‌کرد. والرشتاین متوجه رابط و تناسب این رویکرد با نظریهٔ آفریقا بوده بود؛ و مؤلفی که کتاب «مدیترانه‌ای‌های بورول و مطالعات مارپان مالووست (Marian Malowist) درباره لهستان قرن شانزدهم را مطالعه کرد، دریافت که مناسبات مرکز- پیرامون در ظهور سرمایه‌داری در اروپای غربی قرن نقش محوری داشت. بنابراین باید در نظر گرفت این نکته می‌تواند اظهار کرد والرشتاین بود که کشف کرد نظام سلمه‌رانبی در مرکز- پیرامون نقش قاطع و تعیین‌کننده‌ای در کمک به فهم رشد و توسعه دولت‌های سیاسی و رخدادهای اساسی و دگرگونی‌های زیرساختی (اقتصادی، اجتماعی) در ۵۰۰ سال اخیر تاریخ جهان ایفا می‌کند (Ritzer, 2005, vol. II, p. 875) در اقروپا سر بر تحول و سطح دیدگاه‌ها و تنظیم‌طرف آن و نیز بر در ک و رفتارهای ناظر و بدیع آن می‌تاثیر نبوده است. برای مثال این تز آنان که

«امانوئل والرشتاین» و آینده سرمایه‌داری در گفت‌وگو با پرویز صداقت

سرمایه‌داری در پایان عمر تاریخی‌اش

گروه اندیشه: امانوئل والرشتاین یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان حال حاضر چیکاگو در عرصه جهانی است و به سنتی فکری‌ای تعلق دارد که تحلیل سیستمی- جهانی نامیده می‌شود. تحلیل سیستمی تاریخی- جهانی رویکردی چندرشته‌ای است که بر اساس آن انبوهی خریدار مشتاق وجود دارد یا به هر حال می‌توان محرکی برای خرید آنها پدید آورد. این محصول نوآورانه ابتدا در اشکال شبه‌انحرابی تولید می‌شود و دولت در خلق و حفظ شبه‌انحرابها نقش تعیین‌کننده دارد؛ مثلا بطور قلونی از طریق سیستم ثبت اختراعات یا دیگر اشکال حفاظت از یه‌اصطلاح مالکیت معنوی. یا از طریق ایانه کمک مستقیم به فعالیت‌های تحقیق و توسعه، به‌عنوان خریدار عمده محصول و یا نهایت به‌عنوان یک قدرت ژئوپلیتیک که از موقعیت خود بهره می‌برد تا از آسیب‌دیدن به این وضعیت شبه‌انحرابی تولیدکنندگان مانع شود.

اما هرقدر هم پشتیبانی از این صنایع بیشتر طولانی شود دیر یا زود لحظه‌ای فرا می‌رسد که در آن شبه‌انحرابها در شکل معناداری شکست می‌خورند. شاهد پایان عملیات شبه‌انحرابی منجر به کاهش قیمت‌ها می‌شود. کاهش قیمت‌ها نیز البته به زیان فروشندگان است، یعنی آن‌چه‌ماری یک محصول پیشرو و نوآور بوده به محصولی رقابتی رو با سودآوری بسیار کمتر تبدیل می‌شود. واکنش تولیدکنندگان به کاهش سود، کاهش هزینه‌های کار (دستمزد)، انتقال تولید به مکان‌هایی با هزینه تولید پایین‌تر (بازمکان‌یابی صنایع) و نیز انتقال سرمایه‌ها به بخش مالی (مالی‌گرایی) خواهد بود.

سرمایه‌داری به‌مثابه سیستمی فراملی، سیستمی که مرزهای ملی را برنمی‌تابد و ماهیتی جهانی دارد نیازمند هژمونی است. هژمونی سرمایه‌داری جهانی در دوره کنونی چیزی است که به کمان به والرشتاین رووه‌افول است. با این‌همه، نظام مسلط فعلی همچنان به‌کارکرد خود ولو به‌شکلی معیوب ادامه می‌دهد. تبیین والرشتاین از این هژمونی چگونه است؟

الگوی گسترش و انقباض سرمایه‌داری تنها به آن سبب امکان‌پذیر است که سرمایه‌داری در یک دولت- ملت واحد جای نگرفته بلکه فضای حیات آن سیستم جهانی است که از دور دولت واحدی برگزار شد. اینها اگر سرمایه‌داران در «اتحاد جهانی» یعنی در اقتصاد یا دولت- ملت‌های متعدد حضور داشته باشند صاحبان کسب‌وکار می‌توانند اینانشت بی‌پایان سرمایه را دنبال کنند اما تنظیم اقتصاد جهانی نیازمند نظامی است که قدرت هژمون تحمیل می‌کند. به این ترتیب، به مؤلفه‌ای از چرخه‌های کندراتیف شاهد چرخه‌های طولانی‌تر هژمونیک یا اصطلاحا چرخه‌های سیستمی اینانشت یا قرن‌های طولانی هستیم. در تاریخ سیستم جهانی سرمایه‌داری تاکنون شاهد دست‌کم سه چرخه هژمونیک با قرن طولانی بوده‌ایم: چرخه هلندی از اواخر قرن شانزدهم تا اوایل قرن هجدهم؛ چرخه بریتانیایی از نیمه قرن هجدهم تا اوایل قرن بیستم؛ چرخه آمریکایی از اواخر قرن نوزدهم تا امروز.

جنبش‌های مخالف با منتقد سرمایه‌داری در اشکال سنتی عبارت بودند از احزاب کمونیست و احزاب سوسیال‌دموکرات. ایده اصلی آنها تسخیر قدرت سیاسی به‌منظور تغییر وضع موجود بود. اما آنچه در عمل در قرن بیستم رخ داد این بود که قدرت سیاسی در بسیاری از موارد تسخیر شد اما تغییر وضع موجود رخ نداد؛ یا این تغییر چنان که وعده می‌کردند مطلوب نبود. همین امر در کنار دلایل دیگری مانند توهم‌زایی گسترده نشان‌ها در کنگره بیستم حزب کمونیست شوروی، لفاظی‌های صلح آمریکا و شوروی در زمینه‌هایی مانند مجارستان در ۱۹۵۶، روحیه شدید ضدامپریالیستی برخاسته از جنگ ویتنام، تلاش‌های نظری تازه چپ برای تبیین وضع موجود جهان و تاکیدش بر ضرورت تغییر راهبردها، توجه به بخش‌های حذف‌شده در جامعه (زنان و اقلیت‌ها)، همگی زمینه‌سازی برای شکل‌گیری جنبش بزرگ می‌شد. ۶۸ بود.

کویا والرشتاین اهمیت خاصی برای می ۶۸ قایل است.

به نظر والرشتاین این جنبش اگرچه به مقصودش نرسید اما نشان‌دهنده یک پیروزی بزرگ هم هست چراکه نشان داد در مطالعات اجتماعی باید به فراسوی الگوهای نظری موجود بیندیشیم و نیز باید بدیلی فراتر از سرمایه‌داری و «سوسیالیسم واقعا موجود» بیابیم.

والی در عمل جنبش می ۶۸ شکست بزرگی خورد و دهه‌های بعد دهه‌های پیروزی راست جهانی بود. چنانکه کشورهای سوسیالیستی در پایان دهه ۱۹۸۰ فروپاشیدند و حتی پایان تاریخ شکل‌گیری چشم‌اندازهای گذار به نظام چندبازاری هستیم.

در وضعیت فعلی شاهد افول هژمونی آمریکا و چیرگی شرایط آشفتگی در سیستم جهانی و نوعی بازنظم‌یابی ژئوپلیتیک جهانی بزرگ این جریان هم بود. سرمایه‌داری هرچند توانست از دهه ۱۹۷۰ ببعد هزینه‌های تولید را بهشدت کاهش دهد اما هیچ‌گاه نتوانست نرخ رشدی مشابه دوره عصر طلایی سرمایه‌داری یعنی دهه‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ در سطح جهانی پدید آورد و این نرخ دایما و از دهه‌ای به دهه بعد کاهش یافت.

از طرف دیگر چنان‌که تحلیلگران سیستمی- جهانی می‌گویند خزان جهانی بهار مالی‌گرایی است. از دهه ۱۹۷۰ در کنار تضعیف بخش واقعی اقتصاد سرمایه‌داری جهانی بازآرخام بیش‌آشدید بهای نفت در دهه ۱۹۷۰ که متحدان آمریکا در سازمان شبه‌انحرابی اوپک، یعنی عربستان‌سعودی و ایران آن زمان، سرمدمارانش بودند سایر کشورهای جنوب و نیز کشورهای اوپای‌شرقی را از سویه سایه افزایش بهای انرژی و از سوی دیگر به‌سبب کسادی کشورهای سرمایه‌داری چهار بحران تزار پرداختها کرد. در ادامه، بخش عمده‌ای از دلارهای نفتی اینانشت‌شده در کشورهای خلومیانه از بانک‌های سرمایه‌گذاری در تیوبورک سر درآورد. این دلارهای نفتی نیز صرف دادن وام به کشورهای دچار بحران تزار پرداختها شد و در دهه ۱۹۸۰ بحران بدهی را شاهد بودیم. در حقیقت، مالی‌گرایی در چند دهه گذشته نخست موجی از بدهکارسازی در کشورها را پدید آورد، سپس این شرکت‌های بزرگ بودند که دچار کمبود نقدینگی شدند و در نهایت خلوارها و افراد بودند که با هدف تحریک تقاضا توانستند به‌راحتی وام بگیرند و خود در دام بدهی گرفتار شدند. به همین ترتیب، از دهه ۱۹۸۰ به این‌سو می‌توان سلسله‌ای از بحران‌های مالی را نام برد: سقوط بزرگ بازار سهام در ۱۹۸۷، فروپاشی صندوق‌های پس‌انداز و وام در ۱۹۸۹، سقوط مالی روسیه در ۱۹۹۶، سقوط مالی شرق آسیا در ۱۹۹۷، سقوط سهام فناوری‌های نو در ۲۰۰۱ و این آخر سقوط بزرگ مالی ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸.

به موازات تهاجمهای برهزینه نظام‌های آمریکا به افغانستان و عراق که به زوال هژمونی آمریکا شتاب بخشید شاهد تضعیف موقعیت دلار به‌عنوان ارز واحد جهانی، بروز نوسانات شدید در بازارهای ارزی و نیز شکل‌گیری چشم‌اندازهای گذار به نظام چندبازاری هستیم.

هستیم. دلایل و نشانه‌های این افول را با رجوع به نظریات والرشتاین در چه می‌دانید؟

کسادی بازارهای اروپایی و آمریکایی و کاهش رشد گروه کشورهای بریکس، کاهش شدید نفوذ نظامی آمریکا، چندماوتار حرکت به نظام چندبازاری، ظهور قدرت‌های ژئوپلیتیک جهانی (آمریکا، روسیه، فرانسه، بریتانیا، چین، برزیل و...) و بروز ائتلاف‌های شکننده میان این قدرت‌ها حاصل این‌همه محدودشدن هژمونیشان، امکانات انباشت بی‌پایان سرمایه است. در نظر والرشتاین، مهم‌ترین ویژگی سرمایه‌داری، انباشت بی‌پایان سرمایه است. از سوی دیگر، الزامات انباشت بی‌پایان در تحولات ذیه فناوری‌ه و گشودن ذیه مرزهای جدید جغرافیایی و علمی و روان‌شناسانه و رواج دیگر در. تحلیل سیستمی- جهانی کانون هژمونیک یـا باری کمرند مناطق نیمه‌پیرامونی از کار با مواد خام بیرامون بهره‌کشی می‌کند. نظریه سیستم جهانی مبتنی بر توالی هژمون‌ها در بستر موج‌های بلند کندراتیف، از گسترش و رکود نسبی در بازارهای جهانی است. اما این دینامیک چرخه‌های هژمونیک- هلند، بریتانیا و ایالات متحده- منطقا وقتی بیرامون به پایان می‌رسد و همه منطقه‌های جهان کاملا به بازار سرمایه‌داری وارد می‌شوند، پایان می‌یابد. در چنین شرایطی، دیگر سویاب اطمینانی وجود ندارد، دیگر مناطق بیشتری برای بهره‌کشی نیستند.

در عملکرد سیستم جهانی، با هر چرخه جدید، فرصت‌های جدیدی برای گسترش و سود تحت یک هژمون جدید پدیدار می‌شود. اما شرط مهم در این زمینه آن است که باید یک ناحیه بیرونی، خارج از سیستم جهانی وجود داشته باشد که بتوان آن را وارد سیستم و به بیرامون سیستم تبدیل کرد. بنابراین یک نقطه پایان فرجامین بر سیستم جهانی وجود دارد؛ وقتی در همه نواحی بیرونی رخنه شده باشد. در این نقطه مبارزه بر سر سود در کانون و شبه‌بیرامون را نمی‌توان با فتح نواحی جدید بیرامونی حل کرد. در چنین حالتی، سیستم جهانی درگیر دگرگونی فرجامین است. وضعیت حاصل از چنین شرایطی آمیزه‌ای از رباضت، سرکوبگری و مشارکت‌گری در اقتصادها پدید می‌آورد.

پیامد سیاسی آن نیز آمیزه‌ای از سردرگمی، خشم و هراس در سطح جهانی است. چنین محافظه‌کارانه‌ای که بیارتی و رسای دیگر جنبش‌های ضدنظام هستند، به این ترتیب نظریه نظام جهانی علاوه بر تأکید بر نقش هژمونیک راست جهانی، بر سرکوب، به ویژه در قالب ظهور و افول ابرقدرت‌های هژمونیک، در قسمت قوقلی بر بازاس هرم سلسله‌مراتب مرکز نیز توجه داشته است.

انتقادات وارد شده بر نظریه نظام جهانی و دیدگاه‌های والرشتاین

نظریه نظام جهانی و مواضع والرشتاین از منظرهای چندی مورد انتقاد و اعتراض واقع شده است. نظریه نظام جهانی در قالب موارد زیر مورد نقد و بررسی قرار گرفته است:

۱) کلاسا محرز نیست که توسعه‌نیافتگی جوامع بیرامون بطور قطع و بنیادین در شکل‌گیری نظام جهانی مدرن کارکرد داشته است. تأکید و تصریح مارکس بر اهمیت و نقش کارمزدی به‌عنوان شرط لازم نظام سرمایه‌داری مدرن است‌که گرفته و آن را کمرنگ می‌کند. هر همین اساس، والرشتاین با سایر مارکسیست‌های اَندَ[مسیتی] (نظیر بل سویزی) به‌کار بسیر راننده شده است زیرا ادامه‌ی وابسته‌ی تاکید وی بر محوریت مبادلات مرکز- پیرامون نقش و اهمیت مناسبات مبادله‌ای (تجارت) را مناسبات تولیدی (نملک زنان اضافه از طریق استثمار سرمایه‌دار کارمزدی) مقدم می‌داند. این قبیل انتقادهای کارا نگرانشده به بسیاری مارکسیست‌ها اجازه داد تا به فراطوری‌دن در تحلیل تاریخ و سرمایه‌داری اعتماد کنند.

دومین انتقاد عمده از سوی کسانی صورت گرفته است که معتقدند والرشتاین عامل اقتصادی را بر سیاست و دولت‌ها مقدم دانسته است. برخی از جامعه‌شناسان سیاسی انتقاد کرده‌اند که تمرکز والرشتاین بر تقسیم کار مرکز- پیرامون تفاوت‌های مهم بین ساختارهای نهادی دستگاه‌های دولتی کلان و نقاش‌ها و مبارزات بر سر تغییر خاصی‌ت را در عرصه سیاست به عمل آمده‌اند به اعمال برگزار کرده و نادیده می‌گیرد.

انتقادهای دیگری نیز از سوی جامعه‌شناسان سیاسی، مورخان اجتماعی، اقتصادسیاسی‌ان‌ها و دیگران به نظریه نظام جهانی یا به آرا نظرات والرشتاین به طور کلی به عمل آمده است که به اینجا گرفت و فضای طرفدار اهمیت و تقدم مناسبات تولید و هم جامعه‌شناسان سیاسی معتقد به صورت توجه به اهمیت و نقش و منزلت دولت و سیاست و طرفدار برگرداندن دولت به کانون تحلیل، طالعا از درک و دیدن ویژگی‌های زایایی و تحلیل برپایی والرشتاین دیرفه‌اند اینکه تلاش تاریخی نظام جهانی مدن عازم بودند و از آن فقد انداختند.

برگزا اتاکید می‌کند که چگونه تفاوت‌های موجود در ساختارهای طبقاتی منطقه‌ای با نتایج و دستاوردهای مهم و برجسته‌ای انجامید مانند نقش عمده برنقل در بسط و گسترش اروپا در قرن پانزدهم یا ظهور هژمونی‌های هلند و بریتانیا یافتاری و اصرار والرشتاین بر مطالعه کل نظام جهانی و بیان رابه و موکد دی درخصوص ربط و تناسب ساخت تاریخی و تطبیقی موجب هراس پژوهشگرانی شده که نظرات کارشناسانه تخصصی آنان بلحاظ مکانی یا زمانی بسیار ناچیز و نادرخور است.

با وجود همه ادعاهای گوش قلک‌کن مبنی بر اینکه جهانی‌شدن از ۱۹۶۰ به این طرف همچنین را دستخوش تغییر و تحول کرده است، والرشتاین تاکید می‌کند جهانی‌شدن همان اندازه یک چرخه و سیکل است که یک گرایش یا روند و اینکه موج ارتفاع جهانی که دهه‌های گذشته جهان را درنوردیده است، با مطالعه و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های آن با موج تجارت بین‌المللی و ساختارهای جهانی و تاریخی سطوح ذهنی و عینی، فردی و جمعی، ساختی و کنشی است. این بست بزرگ هم چند دعواها و ابهام‌های بزرگی را نیز در عرصه نظری به بار آورده است و عرصه معرفتی علم اجتماعی را به میدانی برای پاراگندگی، نابسازگاری و تکثر نظری تبدیل کرده است ولی باز خویشاوندی شناختی در این بسا را- حتی در حد شباهت‌های خانوادگی مورد نظر وینگنشتاین- نمی‌توان نادیده گرفت. انجمن جامعه‌شناسی ایران با توجه به رسالت خود در فراهم‌آساختن فضایی برای گفتوگو بین دیدگاه‌ها و نظریات مختلف در عرصه جامعه‌شناسی و فراتر از آن اساس رسالت در بازسازی سنت علم اجتماعی در فضای اکادمی ایران، حضور والرشتاین را به‌مثابه فرصتی برای آشنایی و تعمق بیشتر در اندیشه‌های یکی از قله‌های بی‌بدیل دانش اجتماعی معاصر بلکه همچنین به مثابه فرصتی نادر برای بازساخت و بوساخت مناسبات خویشاوندی در خانواده علم اجتماعی ایران و افزایش قابلیت‌های شناختی برای برخورد عمیق‌تر با مسایل جامعه ایران با در نظرگرفتن ویژگی‌های تاریخی این مسایل و همچنین ارتباط آنها با مقیاس وسیع‌تر تحولات جهانی تلقی می‌کند.

منابع در دفتر روزنامه موجود است

«والرشتاین» و نظریه نظام‌های جهانی

ادامه از صفحه ۷

«پیرامون» در جایی بین پیرامون و مرکز کشورهای «پیرامون» از جایی به «مرکز» می‌رسد. این مسأله‌ای است که مدرن‌ها در «پیرامون» (در فاعده یا بخش زیرین) نظام هم سلمه‌رانب جهانی یافت کرد. این نظریه، از در ابتدا با واقعیات ۵۰۰ سال تاریخ استعماری رابطه و اسلعمار نو اولات مدحت رویه‌ورو می‌کرد. والرشتاین متوجه رابط و تناسب این رویکرد با نظریهٔ آفریقا بوده بود؛ و مؤلفی که کتاب «مدیترانه‌ای‌های بورول و مطالعات مارپان مالووست (Marian Malowist) درباره لهستان قرن شانزدهم را مطالعه کرد، دریافت که مناسبات مرکز- پیرامون در ظهور سرمایه‌داری در اروپای غربی قرن نقش محوری داشت. بنابراین باید در نظر گرفت این نکته می‌تواند اظهار کرد والرشتاین بود که کشف کرد نظام سلمه‌رانبی در مرکز- پیرامون نقش قاطع و تعیین‌کننده‌ای در کمک به فهم رشد و توسعه دولت‌های سیاسی و رخدادهای اساسی و دگرگونی‌های زیرساختی (اقتصادی، اجتماعی) در ۵۰۰ سال اخیر تاریخ جهان ایفا می‌کند (Ritzer, 2005, vol. II, p. 875) در اقروپا سر بر تحول و سطح دیدگاه‌ها و تنظیم‌طرف آن و نیز بر در ک و رفتارهای ناظر و بدیع آن می‌تاثیر نبوده است. برای مثال این تز آنان که

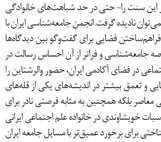

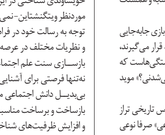

کوتاه خود در سایت شخصی‌اش رخدادهای اجتماعی و سیاسی از انتخابات آمریکا تا جنگ اوکراین را تحلیل خواهم‌یافت. از سخنرانی‌های او در سال ۲۰۰۱ چهارمین جلد از مرکزگرای پیروز ۱۹۱۴- ۱۷۸۹۱ منتشر کرد او در این مجلد تکوین، تعارض و وضعیت هژمونیک گرایش‌های سیاسی از انقلاب فرانسه تا آغاز جنگ جهانی اول را در زمینه نظام جهانی سرمایه‌داری بررسی می‌کند. در آغاز این دوره سرنوشت‌ساز، انقلاب فرانسه به حاکمیت مردم مشروعیت بخشید و در کنار آن به این دگرگونی فرهنگی جهانی، سه ایدئولوژی بزرگ گشوالتیزم، لیبرالیزم و رادیکالیسم ظهور کرد و سرانجام سرمایه‌داری پس از دوران آشوبناک انقلابی نظم نسبی را در جهان پدید آورد و لیبرالیزم به مثابه ایدئولوژی مسلط به پیروزی رسید. والرشتاین علاوه بر تبیقون مطالعات گسترده و برنامه پژوهشی بلندمدت خود، در مقالات پژوهشی و همچنین یادداشت‌ها و تقاریر سیاسی‌اش به تحلیل علمی و اظهارنظر پیرامون مسایل جاری جهان کنونی می‌پردازد. او در سال‌های اخیر در نوشته‌های

سفر «والرشتاین» فرصتی برای همگرایی در علوم اجتماعی ایران

ایمن مکتب ظهور و زوال لرفقرت‌ها و قدرت‌ها در قرون مدرن از هلند تا انگلستان و آمریکا و همچنین پیدایش اخیر قدرت چین چین جهانی گروه‌های نوصنعتی در برخی از مناطق جهان همچون شرق آسیا و امریکای‌لاتین را در قرن اینن چارچوب توضیح می‌دهد. بنظلر او در نظام نوین جهانی، هژمونی اقتصادی اهمیت بیشتری از هژمونی سیاسی و نظامی دارد و تسلط قدرت‌های جهانی کنونی را باید بر اساس ظرفیت‌ها و راهبردهای اقتصادی آن